مدیریت امتثال توسط شارع در مستحبات

13:28

شاگرد: قطع نظر از نیت در اوائل کار زمینه زیاد کردن هست. یعنی بگویند این یک روز هم داخل ماه مبارک باشد. کمکم داخل ماه مبارک می شده.

استاد: همانطور که عرض کردم روایات از حیث بیان تکلیف چهار دسته بود. یا امر بود، یا ترغیب، یا نهی بود و یا ترغیب به ترک. دو دسته دیگر از روایات هست که لسان آنها شارحیت این چهار دسته است. شرح میدهد که چرا آن چهار دسته به این صورت صادر شده است. یک دسته از روایات هم تفصیل میدهد. هم روایات شارحه و هم روایات مفصله میتواند برای «ازیده» هم وجه جمع قرار بگیرد. یعنی ما ببینیم روایات شارحه یا روایات مفصله «ازیده» را به کدام طرف میل میدهد. «ازیده» را به طرف نیت میل میدهد که جمع عرضی است یا «ازیده» به طرف ترک است که درانصورت جمع طولی میشود.

شاگرد: مقصودم تنها همین روایت «فقد کذب» است. اگر منا‌سبات حکم و موضوع را در نظر بگیریم به این صورت به ذهن میآید. یعنی اوائل کار ممکن است عوام مردم بگویند این یک روز را هم با آن مخلوط میکنیم.

استاد: بله، در این گیری نیست. اصلا‌ً رفتار خیلی از عوام مردم حتی نسبت به برخی از مستحبات موکده به این صورت میشود. این کار را میکنند. ابن عباس داشت حرف میزد. خب صحابی بود و برای خودش مهم بود. مغرب شد و او خطبه‌اش را ادامه داد. شخصی آمد و گفت الصلاه الصلاه. حرف او را به هم زد. او سکوت کرد و آن شخص دوباره ادامه داد. دوباره گفت الصلاه الصلاه. یعنی بس کن دیگر. الآن وقت نماز است. ابن عباس ناراحت شد و گفت «أ تعلمنی الصلاة»؟! تو به من نماز یاد میدهی؟! خب عوام این کار را میکنند. کاری ندارد که ابن عباس خودش اینها را دیده و فقیه است و ... . ولی ابن عباس را ناراحت کرد. «أ تعلمنی الصلاة؟!»؛ تو دیگر میخواهی به من نماز یاد بدهی؟! ما که همراه حضرت نماز خواندیم و ... .

لذا اینکه الآن گفتند مردم این تلقی را دارند، میخواهم بگویم عوام برای نماز و سائر امور این کار را میکنند. یعنی یک امر ندبی را میخ عزیمت میزنند و زمینه آن را برای زدن بالاترین حرفها درست میکنند. شارع هم چون اینها را میداند برای خطوط اصلی مقصود خودش در دین –واجبات دین- طوری میخ را میکوبد و طوری اقداماتی میکند که به بهترین نحو ممکن شریعت باقی بماند و خطوط آن هم باقی بماند و بعدا‌ً به مستحباتی که دنبالش هستند برسند. به بدنه امت هم عسر و حرج وارد نشود.

شاگرد: سیره ائمه هم به این صورت بوده که وقتی از آنها سؤال می شده ادامه میدادند؟

استاد: این یک روایت دارد. نمیدانم امام جواد علیه‌السلام بود یا امام هادی ع. تاریک شد و تا مدتی هم حضرت داشتند صحبت میکردند. این روایت هم هست. ولی یادم نمیآید که اعتراض شده باشد.

ببینید شما در فضای فقه و فتوای اهلسنت بیایید، میبینید. شوخی نیست. سنی ها قبل از وقت عصر خودشان نماز عصر میخوانند یا نمیخوانند؟! نمیخوانند. میگویند هنوز که وقت نشده است. روایات آنها در کتابهای فقهی وقت هست. اما در صحیح مسلم و صحیحهای قطعی خودشان میبینید «جمع رسول الله بین الظهر و العصر بالعذر و العلة»، چرا؟ «لیوسع علی امته». بعد میگوییم خب این حدیث که صحیح است. میگویند فقها عمل نکردهاند. یعنی یک شرائطی میشود با اینکه روایت دارند، در فضای فقهایشان اینطور میشود، چه برسد به عوام. در فضای فقها با آن اینطور رفتار میکنند چه برسد به عوام.

آن آقا میگفت به یکی از سنیها گفته بودند این چه بلائی است که سر اینها میآورید. کسانی که در مدینه میخواهند نمازشان را حتماً در مسجد الرسول اقامه کنند، گاهی از حومه شهر میآیند. ظهر میآید و میخواهد و دوباره بر میگردد به محل خودش. دوباره هنوز ننشسته باید دوباره حرکت کند برای نماز عصر. این از چیزهایی است که میبینید فقها در فضای فقه چنین برخوردی با بیانات شارع میکردند. چه برسد عوام بخواهند اینها را به دست بگیرند. لذا شارع برخوردهایی میکردند که چنین مسائلی پیش نیاید.

بازبینی #1
ایجاد شده 30 مه 2026 14:34:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2026 14:35:53 توسط ... .